



## رفتارهای ناهنجار کودکان؛ از زودرنجی تا فریبکاری / چرا کودک به پنهانکاری متوسل می شود

کودکاني که در معرض تنبیه های روانی به ویژه محروم شدن از عشق و محبت والدین، تحقیر و سرزنش و یا مقایسه غیر منصفانه با خواهر و برادر ....

کودکاني که در معرض تنبیه های روانی به ویژه محروم شدن از عشق و محبت والدین، تحقیر و سرزنش و یا مقایسه غیر منصفانه با خواهر و برادر هستند، بیشتر در معرض رفتار نادرست خواهند بود. به گزارش خبرگزاری مهر، کودکان کارهای بیشماری انجام می دهند که از نظر بزرگسالان ناپسند و بد محسوب می شود. در این مطلب به سه مورد از مشکلات رفتاری رایج بین کودکان به ویژه در سنین دبستان می پردازیم.

### زود رنجی و حساسیت فوق العاده

حساسیت مبرم کودک به تایید و تکذیب اجتماعی در اواخر کودکی، یعنی آغاز مدرسه تا شروع دوره بلوغ، زودرنجی را در او پدید می آورد. زود رنجی یکی از مشکلات رفتاری رایج بین کودکان دبستانی است. روانشناسان نقطه اوج حساسیت پسران را سن یازده سالگی و دختران را تا دوره بلوغ می دانند.

زودرنجی تا حدودی مربوط به تمایل زیاد کودک به پذیرش اجتماعی است، گرایش او را شدیداً در معرض نگرش های بزرگسالان و اعضای گروه همسن خود قرار می دهد، علاوه بر این زودرنجی و حساسیت شدید، شیوه ای موثر برای جلب توجه و جلب موافقت و تسلیم والدین است و کودک به زودی کشف می کند که برای رسیدن به هدف خویش، دعوا و مرافعه و منفي گرایي سلاح های نامناسبی هستند و کمتر نتایج مطلوبی به بار می آورند در حالی که زودرنجی و حساسیت بیش از حد موجب می شود تا والدین از این که کودک خویش را آزرده اند، احساس گناه کنند و در نتیجه کوشش نمایند تا کارها را بر وفق مراد او انجام دهند. مادام این که کودک بتواند از این طرح در مواجهه با موقعیت های تعارض انگیز سود جوید، زودرنجی باقی خواهد بود.

### تعصب

تعصب گرایشی است به طبقه بندی همه افراد متعلق به گروههای دیگر، خواه اجتماعی، مذهبی، جنسی، نژادی و غیره به عنوان افراد پایین تر از خویش و رفتار با آنان بر اساس این نگرش.

تعصب از سه عامل تشکیل می شود: اعتقادات پذیرفته شده درباره افرادی که تعصب علیه آنان در جریان است؛ اعتقاداتی که به ندرت مبتنی بر تجارب شخصی است و معمولاً مبتنی بر نظرات قالبی مجموعه تثبیت شده ای از عقاید فوق العاده ساده شده وسیله اعضای یک گروه درباره ویژگیهای شخصی افراد متعلق به گروه خاص است.

دومین عامل تعصب، عواطف و احساسات همراه با آن است که می تواند از بی تفاوتی سرد تا کینه توزی تلخ و خشونت بار در تغییر باشد. و سومین عمل اعتقادات معینی درباره کمک و درمان کسانی است که تعصب علیه آنان به کار رفته است؛ که معمولاً به یکی از این سه حالت بی تفاوتی نسبت به آنان، جلوگیری از ایفای هرگونه نقش فعال و تعقیب و آزار آنها و یا درجاتی از هر یک از اینها بروز می کند.

تعصب محصول یادگیریهای اجتماعی است. کودک خیلی زود از تفاوتی بین افراد آگاه می شود، اما این آگاهی از تفاوت ها به خودی خود هرگز به معنای تعصب داشتن نیست. تنها هنگامی که فرد از نگرش های اجتماعی نسبت به این تفاوت ها آگاه می شود و برای پذیرش این نگرش های اجتماعی تحت فشار قرار می گیرد تعصب به وجود می آید.

نگرش های تعصب آمیز معمولاً بین سالهای سه تا چهار سالگی به وجود می آید در حالی که رفتار تعصب آمیز کمی بعد از آن رخ می دهد. کودک متعصب اغلب سختگیر، ستمگر و بی تحمل نسبت به عقاید دیگران می باشد.

از آنجا که تعصب از لحاظ روانی برای افراد متعصب و نیز آنان که تعصب علیه آنها به کار می رود زیان آور است برای تحدید و یا از بین بردن آن، قبل از آنکه این نارساییهای رفتاری کودکانه به صورت نگرش های عادتی درآید باید کوششهایی به عمل آورد. تعصب سد و مانعی بین افراد به وجود می آورد. باید کوشش نمود تا این سد شکسته شود و کودکان به یکدیگر نزدیک تر شوند، تا بتوانند یکدیگر را بهتر بشناسند. کمک به کودک در پیدا کردن و گسترش بینش اجتماعی بهتر، نسبت به افراد یا گروههایی که علیه آنان تعصب دارد به احتمال زیاد در کاهش این گونه تعصب ها مفید خواهد بود.

به علت اینکه بیشتر تعصب های کودکانه نه از راه تماسهای شخصی، بلکه بر اثر تقلید اجتماعی از گروههای بزرگسالان به وجود می آید مهمترین شیوه مقابله با آن عبارت است از آن که تعصب را در جامعه از مد نظر بیندازیم. معمولا کودکی که در گروه همسالان خود پایگاه نا امنی دارد، پیروی از گروه را شیوه ای جهت پذیرفته شدن از طرف گروه می یابد. برای او و امثال او مادامی که بقیه افراد گروه دست از تعصب بر ندارند مشکل تعصب همچنان باقی خواهد بود.

#### نادرستی و فریبکاری

رفتارهای نادرست و فریبکارانه در کودکان گاه غیر ارادی و در اکثر موارد ارادی است کودکانی که در معرض دیسپلین و انضباط شدید همراه با تنبیه می باشند با توسل جستن به نوعی نادرستی که بر اثر تجارب گذشته خویش فرا گرفته اند سعی در فرار می کنند. به همین ترتیب هم کودکانی که در معرض تنبیه های روانی به ویژه محروم شدن از عشق و محبت والدین، تحقیر و سرزنش و یا مقایسه غیر منصفانه با خواهر و برادر هستند، بیشتر در معرض رفتار نادرست خواهند بود.

رفتارهای نادرست و فریبکارانه در سالهای پیش از دبستان هم در کودکان دیده می شود، ولی نمونه بارز آن در اواخر دوره کودکی است. کودکان بر اثر تجارب شخصی و یا از دوستانشان، راههای گول زدن دیگران به ویژه والدین و معلمان را فرا می گیرند، مثلا برای انجام ندادن تکالیف تظاهر به مریض بودن می کنند و یا اجزا شی شکسته شده را مخفی می کنند تا به گردن کسی بیندازند و در مورد مقررات و قوانینی که شکسته اند خود را به تجاهل و نادانی می زنند و بالاخره ممکن است در بازی و یا در مورد کار مدرسه دست به تقلب و یا دزدی بزنند.